

عوامل مؤثر در کاهش تعداد فرزندان خانوادگی ایرانی در دهه‌های اخیر

در دهه‌های اخیر، رشد جمعیت ایران روند نزولی داشته است و اگر به همین طریق پیش برویم، وضعیت کشور وارد مرحله‌ای بحرانی خواهد شد. لذا نیازمند آسیب‌شناسی هستیم تا بتوانیم از دل این آسیب‌ها و عوامل مؤثر در بروز این مسئله، راهکار و برنامه ارائه دهیم. در مسئله‌ی کاهش جمعیت، عوامل متعددی نقش داشته است، اما یقیناً مهم‌ترین نهادی که در حوزه‌ی جمعیت نقش دارد نهاد خانواده است. لذا باید ببینیم که در حوزه‌ی خانواده چه تغییراتی رخ داده و چه عواملی منجر به تغییر سبک زندگی خانواده شده که نتیجه‌ی آن کاهش فرزندآوری و کاهش جمعیت کشور بوده است.

تغییرات حاکم بر خانواده

اولین هسته‌ی زندگی اجتماعی بشر از خانواده آغاز می‌شود. خانواده خاستگاه انس و مودت، تکمیل و تکامل، نظم و انتظام، یک‌پارچگی و انسجام است. تأثیر آشکار و پنهان خانواده بر دیگر نهادهای اجتماعی و متقابلاً تأثیرات گوناگون آن نهادها بر خانواده، باعث شده است که اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم انسانی و همچنین سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اجتماعی، به طور ویژه‌ای به مسائل خانواده علاقه نشان دهند.

الف) تغییرات فردی

1. رواج فردگرایی

جامعه‌ی ایران در دهه‌های اخیر، در جریان تحولات فرهنگی و اجتماعی وسیعی قرار گرفته است. این تحولات به ویژه در خانواده مشهود بوده است. یکی از تحولاتی که خانواده از آن مصون نمانده رشد فردگرایی است. منظور از فردگرایی این است که افراد به جای اولویت دادن به خواست‌ها و علایق جمعی، سنتی و خانوادگی، به ارزش‌ها و خواست‌های فردی خود اولویت می‌دهند.

فردگرایی می‌تواند نتیجه‌ی توسعه‌ی خانوادگی هسته‌ای باشد و نیز می‌تواند پیامدهایی همچون کاهش مسئولیت‌پذیری، بالا رفتن سن ازدواج، افزایش طلاق و طبیعتاً کاهش فرزندآوری را به همراه داشته باشد.

فردگرایی با ساختار خانوادگی هسته‌ای و جمع‌گرایی با ساختار خانوادگی گسترده همسو است. در خانوادگی جمع‌گرا فرزندان می‌آموزند که هنگام ابراز عقیده در مقابل دیگران، بردباری پیشه کنند. همچنین وفاداری به گروه و نیز حتی سهمین شدن در منابع مالی، یک عنصر اساسی خانواده جمع‌گراست.

بنابراین فردگرایی خود می‌تواند نتیجه‌ی توسعه‌ی خانوادگی هسته‌ای باشد و نیز می‌تواند پیامدهایی همچون کاهش مسئولیت‌پذیری، بالا رفتن سن ازدواج، افزایش طلاق و طبیعتاً کاهش فرزندآوری را به همراه داشته باشد.

2. افزایش سن ازدواج

یکی از عواملی که منجر به کاهش فرزندآوری می‌شود بالا رفتن سن ازدواج است. البته بالا رفتن سن ازدواج نیز خود معلول عوامل دیگری از قبیل فردگرایی، فرزندسالاری و... است. امروزه به علت تقویت خانوادگی هسته‌ای و دشواری‌های اقتصادی در جوامع صنعتی، متوسط سن ازدواج افزایش یافته است. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که در ایران نیز میانگین سن ازدواج همین روند را

دارد، با این تفاوت که این افزایش در مورد زنان بیشتر است. در سرشماری سال 90 میانگین سن ازدواج در مردان 26.7 و در زنان 23.4 بوده است و همچنان نیز در حال افزایش است.

در جامعه امروز ایران، سن ازدواج زنان به دلیل افزایش سطح سوادآموزی آنان همچنان رو به افزایش است. همچنین فشارهای اقتصادی بر زوج‌های تازه ازدواج کرده وارد می‌شود مبنی بر اینکه قبل از ازدواج دارای شغل و مسکن باشند. در حالی که فرصت‌های آنان برای دستیابی به این امکانات به دلیل ورود فزاینده جرگه‌های عظیمی که وارد بازار کار و مسکن در مناطق شهری می‌شوند کاهش می‌یابد. همچنین نگرش نسبت به ازدواج دستخوش تغییرات شده است به طوری که حتی خانواده‌های سنتی ازدواج را دیگر تنها گزینه برای دخترانشان نمی‌دانند. از طرف دیگر مشکل بیکاری باعث بالا رفتن سن ازدواج می‌شود. پیش‌بینی می‌شود میزان بیکاری در بین جمعیت زیاد مردان جوان که بلافاصله پس از انقلاب متولد شدند به علت رقابت شدید در بازار کار افزایش یابد.

طبیعی است که با بالا رفتن سن ازدواج، فرصت باروری نیز کمتر خواهد بود و در نتیجه، منجر به کاهش تعداد فرزندان خواهد شد.

3. افزایش آمار طلاق

طلاق دارای آثار و پیامدهای عمیق اقتصادی، اجتماعی، روانی، قانونی و والدینی بر مردان و زنان مطلقه، فرزندان طلاق و اجتماع است. 12 طلاق خود می‌تواند از عوامل متعددی ناشی شود که در هر صورت، منجر به کاهش فرزندآوری در خانواده خواهد شد. متأسفانه در جامعه‌ی ایران نیز آمار طلاق، خصوصاً در نقاط شهری (به ویژه شهر تهران)، در حال افزایش است. بر اساس آمار ثبت احوال کشور، در سال 1372 از هر 100 ازدواج یکی به طلاق منجر می‌شد. این میزان در سال 1385 به 12 طلاق و در سال 1390 به 16 طلاق در 100 ازدواج رسیده است؛ یعنی 16/33 درصد و نکته‌ی قابل توجه این‌که در استان تهران و البرز 33 درصد است. در واقع از هر سه ازدواج، یکی به طلاق منجر می‌شود. البته آمار طلاق تا پایان سال 1391 در کشور به 16/66 درصد نیز رسیده است. اگر به این آمار، طلاق‌های عاطفی (که ثبت نشده و آماری از آن‌ها در دست نیست) را هم اضافه کنیم، می‌بینیم که متأسفانه بسیاری از خانواده‌ها درگیر آن هستند و یکی از عوامل کاهش تعداد فرزندان نیز همین مسئله است.

افزایش سطح تحصیلات زنان منجر به افزایش تمایل زنان به حضور در بازار کار شده و میزان اشتغال زنان نسبت به گذشته بیشتر شده است. حضور بیشتر زنان در بیرون از خانه منجر به کاهش تمایل زنان به فرزندآوری شده و در کاهش نرخ فرزندآوری در ایران تأثیرگذار بوده است.

4. افزایش سطح تحصیلات و اشتغال زنان

افزایش سطح تحصیلات خصوصاً در زنان، یکی از عواملی است که منجر به بالا رفتن سن ازدواج و در نتیجه، کاهش فرزندآوری می‌شود. البته بین بالا رفتن سطح تحصیلات و بالا رفتن سن ازدواج، یک رابطه‌ی دوسویه وجود دارد. در دو دهه‌ی گذشته، سواد زنان افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته و حتی نسبت دختران به پسران در دانشگاه فزونی گرفته است.

افزایش سطح تحصیلات زنان منجر به افزایش تمایل زنان به حضور در بازار کار شده و میزان اشتغال زنان نسبت به گذشته بیشتر شده است. حضور بیشتر زنان در بیرون از خانه منجر به کاهش تمایل زنان به فرزندآوری شده و در کاهش نرخ فرزندآوری در ایران تأثیرگذار بوده است.

